

[**احکام قبله** 1](#_Toc501372283)

[**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)** 1](#_Toc501372284)

[نکات باقیمانده از جهت سوم (قبله أشخاص دور از مکه) 1](#_Toc501372285)

[تمسک به اطلاق یا أصل برائت برای اثبات قبله بودن دو جهت 2](#_Toc501372286)

[مناقشه 4](#_Toc501372287)

[قبله بودن جهت کعبه برای أفراد دور از مکه 5](#_Toc501372288)

[مناقشه 5](#_Toc501372289)

[**جهت چهارم (مقدار توجه لازم به قبله در تحقق استقبال قبله)** 6](#_Toc501372290)

**موضوع**: محدوده مکان قبله /احکام قبله /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**احکام قبله**

**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)**

# نکات باقیمانده از جهت سوم (قبله أشخاص دور از مکه)

**نکته ای از مباحث قبل باقی مانده است که بیان می کنیم؛**

ما باید زمین را مسطح فرض کنیم و بعد قبله را تعیین کنیم یا زمین که کروی است طبق همین واقعیت قبله را بررسی کنیم؟؛

ما عرض کردیم غمض عین از کرویت زمین برای صدق استقبال قبله لازم است و اگر پشت زمین کسی باشد مثل استرالیا و آفریقای جنوبی، استقبال قبله صدق نمی کند مگر این که زمین را مسطح فرض کنیم؛

ولی آیا فرض مسطح بودن برای صدق استقبال، منشأ می شود که در مناطقی که از نظر علمی خط قوس نزدیک به مکه، منحرف به طرف شمال است بگوییم عرف تسامح می کند؟ و این طور حساب می کند که مثلاً نیویورک 40 درجه بالای خط استواء است و مکه 5/21 درجه بالای خط استواء است و لذا مکه جنوبی تر است و باید وقتی به سمت شرق می ایستیم 19 درجه متمایل به جنوب باشیم تا استقبال قبله صدق کند که زمان های قدیم این طور بوده است و مرحوم خویی هم همین نظر را دارند.

یا نه، باید حیث علمی را در نظر بگیریم و در اینجا دلیلی بر الغای نظر علمی و واقعی نداریم و تخیّل عرف ناشی از اشتباه در تشخیص مصداق بوده است و الآن این اشتباه معلوم شده و می دانیم که خط قوسی منحرف به قطب شمال به مقدار 10 درجه، به کعبه نزدیک تر است که الآن بر همین اساس قبله نیویورک تنظیم شده است و نظر آقای سیستانی هم همین است.

**افرادی که مورد وثوق اند نقل کرده اند که:** در زمان های قدیم که بردگان سیاه مسلمان که از آفریقا به عنوان برده گرفته می شدند و به آمریکا آورده می شدند به سمت جنوب نماز می خواندند زیرا به حسب ظاهر می دیدند که از آفریقا آمده اند و آفریقا هم در غرب مکه است و حالا که ما را به آمریکا (که در شرق مکه است) آورده اند پشت می کنیم و به همان سمتی که در آفریقا نماز می خواندیم، الآن هم همان طور نماز می خوانیم و لذا قبله ها را در مساجد متمایل به جنوب تنظیم می کردند. ولی مساجد جدید معمولاً این طور نیست و قبله ها را متمایل به شمال تنظیم کرده اند که اختلاف گاهی تا 90 درجه می رسد. یا در کانادا که نزدیک قطب شمال است، خطی که از بالای قطب شمال به سمت مکه می آید بسیار نزدیک تر از خطی است که متمایل به جنوب باشد و موازی خط استواء به مکه می آید.

عرف در مصداق خطا می کرده است و می گفته است که قبله متمایل به جنوب است ولی بطلان این تشخیص معلوم شده است.

لذا آیا معیار، وهم عرفی است کما علیه السید الخویی یا معیار تدقیق علمی است که عرف هم متوجّه می شود زیرا تاکنون خطای عرف در مصداق بوده است و عرف در مفهوم مشکلی ندارد تا بگوییم در مفاهیم به عرف مراجعه می کنیم و مثل این است که فکر می کردند زمین ساکن و خورشید متحرک است و بعد فهمیدند که زمین متحرک است و به سبب حرکت زمین شب و روز تشکیل می شود. و معنا ندارد که احکام را بر اساس تشخیص اشتباه عرف نسبت به مصادیق تکوینی قرار دهیم.

## تمسک به اطلاق یا أصل برائت برای اثبات قبله بودن دو جهت

**در اینجا هر چند تمایل به این داریم که نظر دقیق که عرف بعد از التفات به موضوع متوجّه می شود، معیار است ولی لقائل أن یقول که:**

چه اشکالی دارد در مواردی که عرف در تشخیص مصادیق اختلاف دارند به اطلاق أدله ( مثل صل مستقبل القبله) تمسک کنیم و بگوییم به هر دو طرف می توان نماز خواند و اگر اطلاقی نبود برائت از تعیّن هر کدام، جاری کنیم که در نتیجه تخییر ثابت می شود؛

**مثلاً در نماز گاهی خود عرف با هم اختلاف نظر دارند؛**

مثلاً اگر جواهر را نگاه کنید در ضاد «و لاالضالّین» اختلاف است؛ برخی مثل صاحب جواهر می گویند باید ضاد شبیه ظاء گفته شود که نحوه تلفظ عراقی ها است، برخی می گویند باید شبیه دال مفخّمه گفته شود (بحث مفصل است و برخی گفته اند أصلاً ضاد تلفظ جدایی ندارد بلکه مثل ظاء تلفظ می شود و این هم یک قول قابل بحث است)؛ صاحب جواهر می گوید این قرائت دوم غلط است و قرائت دوم، قرائت مصری ها و شامی ها است و قرائت أهل بیت این نیست و به زبان حال می گوید قرائت شیخ محمود حصری صحیح نیست زیرا مصری است و از أهل بیت دور است. عراقیین و حجازیین قرائت أهل بیت را یاد گرفته اند، (جالب این است که حجازی ها مثل مصری ها تلفّظ می کنند و صاحب جواهر اشتباه کرده است. من دقت کردم و متوجه شدم که امام جماعت مسجد النبی یا مسجد الحرام ضاد را شبیه دال مفخّمه تلفّظ می کنند)؛

**به هر حال اینجا اختلاف است و یکی می گوید این گونه بگو و دیگری می گوید به نحو دوم بگو**؛

ما گفته ایم یک راه این است که بگوییم اطلاق دارد و هر دو قرائت، صحیح عربی است. و اگر شک کردیم و نفهمیدیم که قرائت صحیح کدام است شبهه مفهومیه است ( زیرا روایتی که می گوید: «لاصلاة إلا بفاتحة الکتاب» یعنی «بقرائة عربیه» و ما در مفهوم قرائت عربیه که این قرائت است یا دیگری است شک داریم. البته اینها بحث دارد که شبهه مصداقیه است که مجرای اشتغال است یا شبهه مفهومیه است که مجرای برائت است و قصد اظهار نظر قطعی نداریم و فعلاً طرح بحث می کنیم.) و احتمال می دهیم بین دو قرائت مخیر باشیم و لذا از تعیّن هر قرائت برائت جاری می کنیم و تخییر ثابت می شود. این مطلبی است که در ذهن ما است و در جایگاه خودش باید دنبال کنیم که آیا این مطالب اشکال دارد یا نه، و فعلاً طرح بحث می کنیم ولی؛

**أولاً** قدر متیقّن ندارد و برخی نحوه ی أول را صحیح می دانند و برخی نحوه ی دوم را صحیح می دانند. **ثانیاً:** قدر متیقن داشتن منشأ احتیاط نمی شود و برائت از تعیین جاری می کنیم.

**در ما نحن فیه هم ممکن است کسی بگوید:**

عرفا ًاستقبال قبله صدق می کند و عرف می گوید یک نحوه تشخیص قبله این است که به جنوب متمایل شویم و یک نحوه دیگر تشخیص قبله این است که به شمال متمایل شویم و «استقبل القبله» اطلاق دارد و شامل فرضی که اختلاف این دو به 90 درجه برسد می شود؛

یک بیان هم این است که اگر اطلاق هم نداشت، از شرطیّت این نحو از استقبال و شرطیّت آن نحو از استقبال برائت جاری کنیم و نتیجه تخییر می شود.

### مناقشه

**ولی این دو بیان ایراد دارد زیرا؛**

**نسبت به بیان أول می گوییم که**: اطلاق مشکل است زیرا عرفی نیست که هم تمایل به جهت أقرب استقبال باشد و هم تمایل به جهت دیگر که أبعد است، استقبال قبله باشد (این که 26 درجه مخلّ نیست بحث دیگری است ولی بر فرض این مقدار مخلّ باشد یا فاصله بین دو نحوه استقبال بیشتر از 26 درجه باشد بحث می کنیم که آیا می شود استقبال نسبت به دو جهت باشد و نیز در مکان 180 درجه از مکه که تمام خطوط به مکه مساوی است مشکلی ندارد که چند جهت استقبال قبله باشد و بحث ما در فرضی است که دو جهت نامساوی اند)

**نسبت به بیان دوم می گوییم که**؛ و اگر نوبت به شک برسد أصل برائت را قبول نداریم و قاعده اشتغال جاری می شود زیرا عرف از خطاب «استقبل القبله فی صلاتک» فهمید که شارع استقبال عرفی را شرط دانسته است و این که استقبال عرفی چیست شارع دخالت نکرده است؛ لذا خطاب معلوم است و در محقق آن شک داریم که باید احتیاط کنیم؛

ما مثال می زدیم که خیلی از موارد که می گویند شبهه مفهومیه است، شبهه مصداقیه است مثلاً می گوید «در منی ذبح کن» که مراد از منا، مکانی است که عرفاً منا است و لذا اگر از خود شارع بما هو انسان عرفی نه بما هو عالم الغیب، سؤال کنیم که آیا دامنه کوه منا جزء منا است یا نه؟ می گوید باید از عرف محل بپرسید و من هم مثل شما در اینجا غریبم و نمی دانم. یا مثلاً اگر فرمانداری بگوید «پارک کردن ماشین در خیابان صفائیه ممنوع است» بعد بپرسند صفائیه تا کجاست می گوید نمی دانم از کجا تا کجاست.

این شبهه مفهومیه است ولی قانون روی معنای عرفی رفته است و لذا مرجع این شک به شبهه مصداقیه است و شک روی واقع تفصیلی نرفته است تا بگوییم در سعه و ضیق جعل مولا شک داریم بلکه جعل مولا مشخص است و نسبت به این که اینجا عنوان عرفی صادق است یا نه شارع دخالت نمی کند.

نتیجه این که با شک باید حکم به احتیاط عملی شود؛ البته اگر کسی شک کرد خوب است در مقام فتوا حکم به احتیاط عملی نکند زیرا بر مردم سخت می شود و بهتر است که مسأله را به صورت احتیاط واجب بیان کند تا مردم بتوانند به دیگران مراجعه کنند.

## قبله بودن جهت کعبه برای أفراد دور از مکه

**برخی از فقها مثل محقق حلی در شرائع می گویند: برای بعید قبله جهت کعبه است وبرای قریب قبله عین الکعبه است؛**

**و مقدس اردبیلی همین را مطرح کرده و این گونه توجیه کرده است که:**

این که خداوند متعال قبله را اعتبار کرد، تدقیق در استقبال را لازم ندانسته است مثلاً وقتی به مردم می گویند به سمت شهر مشهد استقبال کن، نمی رود قطب نما و نقشه بیاورند بلکه همین که مشهد به سمت فلان جهت است به همان جهت می ایستادند. پیرزن ها و پیرمرد ها و روستایی ها همه مأمور به صلاة نحو القبله بودند؛ یعنی این ها باید تدقیق می کردند؟ و در هیچ روایتی نیامده است که باید تدقیق کرد بله در برخی روایات که مختص أهل عراق است چنین آمده است که : ستاره جدی را بین الکتفین و در برخی روایات آمده که ستاره جدی را خلف منکب یمین قرار می دهند؛ که این ها با هم اختلاف دارد و مختص أهل عراق است و سند این روایات هم ضعیف است.

**ایشان می گوید شاهد بر این که در أمر قبله تدقیق نیست این است که؛** مردم در مسجد قبا در وسط نماز خبر دار شدند که قبله مسملین از بیت المقدس به سمت مسجد الحرام جابجا شده است و در وسط نماز برگشتند. (معلوم نیست که پیامبر حضور داشته است و پیامبر گاهی به مسجد قبا تشریق می بردند و در اینجا می گوید شخصی آمد و گفت که قبله تغییر کرده است) لذا در أمر قبله توسعه است و در نتیجه برای أفرادی که دور از کعبه اند جهت کعبه مهم است و خود کعبه مهم نیست.

**فاضل مقداد نیز در توضیح جهت کعبه گفته است:**

خطی از مشرق اعتدالی به مغرب اعتدالی بکشید که این خط از بالای کعبه بگذرد؛ این خط قبله افرادی است که دور از کعبه اند و عین کعبه مهم نیست. رابطه مصلی با این خط باید زاویه قائمه باشد و زاویه حاده یا منفرجه نباشد که موجب انحراف به مشرق و مغرب می شود.

تعبیر به مشرق و مغرب اعتدالی در مقابل مشرق و مغرب حقیقی است و جهتش این است که مکه دقیقاً در جنوب نیست و 5/21 از خط استواء به سمت شمال است و لذا اگر بخواهیم از مشرق حقیقی به مغرب حقیقی خط بکشیم این خط بالای کعبه قرار نمی گیرد. بلکه روزی که خورشید هنگام اذان ظهر بالای سر کعبه می آید که 6 خرداد و 24 تیر است، جهت طلوع و غروب خورشید در این روز را محاسبه کنید و یک خط تشکیل دهید که مرکز آن کعبه قرار می گیرد.

### مناقشه

**انصافاً این مطلب درست نیست؛**

این که انسان به خط نگاه کند و به کعبه کاری نداشته باشد خیلی مشکلات ایجاد می کند؛ مثلاً کسی که در جده است می گوید به مکه کاری ندارم و به خط وهمی مذکور نگاه می کنم و به سمت آن نماز می خوانم در حالی که این خط به سمت کعبه نیست و این حرف ها دلیل ندارد.

أصلاً به قول صاحب عروه چه کسی گفته است که قبله برای افراد بعید، جهت و سمت کعبه است؟ محقق حلی هم که فرموده اند صحیح نیست مگر این که مقصودشان این باشد که هر چه انسان از کعبه دور شود محاذات عرفی با کعبه توسعه پیدا می کند.

**و منشأ این مطلب که «قبله برای بعید جهت کعبه است نه عین کعبه» این است که؛**

مساحت کعبه محدود است و اگر استقبال کعبه شرط باشد اگر صف جماعت تشکیل شود که طول آن از کعبه بیشتر باشد باید نماز آن ها باطل باشد و روی این حساب این مطلب را بیان کرده اند.

اگر روشن شود که هر چه انسان از یک مرکز دور شود استقبال عرفی نسبت به آن مرکز سعه پیدا می کند و ضیق ندارد و استقبال عرفی خود آن مرکز است نه استقبال جهت و سمت آن مرکز؛ چرا بیاییم عبارت را عوض کنیم و بگوییم استقبال سمت کعبه لازم است؟ نخیر، بلکه استقبال خود کعبه لازم است و تسامح عرفی هم قبول نیست و باید دقّت عرفی کرد ولی دقت عرفی این است که انسان هر چه دور می شود محاذات عرفی او توسعه پیدا می کند.

و لذا این مطلب به خاطر صدق استقبال دقی عرفی است و از این جهت نیست که قبله جهت کعبه است یا مسامحه عرفی در محاذات صورت گرفته باشد زیرا اگر بدانند که تسامح شده است خود عرف در مقام احتجاج به آن اعتنا نمی کنند و تسامح نمی کنند و مثلاً اگر بگویند اگر ساعت دو بیایی به تو جایزه می دهم ولی یک دقیقه دیر بیاید دیگر جایزه نمی دهد و طرف مقابل هم حق اعتراض ندارد، ولو در مقام مسامحه یک دقیقه مشکلی ندارد.

لذا در اینجا محاذات عرفیه به نظر دقی عرف است منتها هر چه از مکه دور می شویم محاذات عرفی دقی توسعه پیدا می کند و بحث در مقدار توسعه است؛

**جهت چهارم (مقدار توجه لازم به قبله در تحقق استقبال قبله)**

**مرحوم خویی فرموده است؛** ما با یک ضابط علمی که استاد ما مرحوم نائینی بیان کرده است، ثابت می کنیم که چه مقدار استقبال قبله در محاذات عرفی کفایت می کند محاسبه ای داریم که معلوم می شود تا 26 درجه به چپ یا راست اشکال ندارد مثلاً قبله در بخش قدیم حرم حضرت معصومه (س) 23 درجه متمایل به راست است و این علمی است ولی اگر 26 درجه به راست یا 26 درجه به چپ بایستی اشکالی ندارد؛

**توضیح این که**: استقبال به این معنا است که مقادیم بدن روبه قبله باشد مثلاً «استقبل القبله بذبیحتک» به این معنا است که مقادیم بدن او روبه قبله باشد یا اگر ایستاده است روی او به سمت قبله باشد. انسان هم همین است وقتی می گویند «استقبل القبله» به این معنا است که روی او و وجه او به سمت قبله باشد و علامت وجه، پیشانی انسان است و پیشانی انسان حدود چهار انگشت به هم چسبیده است؛ یعنی اگر چهار انگشت رو به کعبه قرار بگیرد استقبال کعبه صدق می کند البته بقیه بدن هم به تبع پیشانی به سمت قبله باشد.

اگر چهار انگشت از کل محیط سر محاسبه شود یک هفتم می شود و کل محیط سر 360 درجه است که یک هفتم آن حدود 52 درجه می شود. و مصلی وقتی نماز می خواند دایره ی صغرایی دور خودش تشکیل می شود (که 52 درجه از این دایره محاذی کعبه است) و یک دایره کبرایی است که محیط آن از کعبه عبور می کند و مصلی در مرکز آن قرار گرفته است یعنی مصلی در مرکز دایره صغری و کبری قرار دارد.

استقبال این شخص به این است که در این 52 درجه قرار بگیرد که در این 52 درجه در دایره صغری، محاذی کعبه ای است که محیط دایره کبری از آن می گذرد و نصف 52 درجه، 26 می شود؛ لذا اگر بدانی که دقیقاً کعبه کدام سمت است می توانی از جهت کعبه 26 درجه به سمت راست یا چپ متمایل باشی زیرا در این مقدار تمایل، مقداری از پیشانی رو به کعبه قرار می گیرد و لذا تا 26 درجه انحراف از جهت کعبه مضرّ به محاذات عرفی با کعبه نیست و اگر عالماً عامداً این کار را انجام دهد نمازش صحیح است.